

هنجارهای فردی اخلاق شادی در اسلام

سیدضیاءالدین علیانسنب / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

olyanasabz@mail.tbzmed.ac.ir

oliyanasab1365@yahoo.com

سیدمرتضی علیانسنب / کارشناس ارشد اخلاق اسلامی دانشگاه معارف قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹

چکیده

«اخلاق شادی»، به مطالعه ارزش‌های حاکم بر فعل شادی می‌پردازد و در سه حوزه رابطه انسان با خدا، خود و دیگران بحث می‌کند. ارزش‌های حاکم بر ارتباط انسان با خود در مقوله شادی، هنجارهای فردی حوزه اخلاق شادی هستند که در این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و از نوع اسنادی و بر اساس منابع اسلامی و متون اخلاقی مورد مطالعه قرار گرفت. این پژوهش، به این پرسش پاسخ می‌دهد که هنجارهای فردی اخلاق شادی از دیدگاه اسلام کدامند. یافته‌های تحقیق نشان داد که انسان مؤمن برای داشتن شادی فضیلت‌مند، تکالیف اخلاقی خاصی در ارتباط با خود دارد و باید به پاره‌ای فضایل آراسته گردد. این هنجارها از دیدگاه اسلام؛ حق‌گرایی، دوراندیشی، بلندهمتی، خویشتن‌داری، کرامت، عفت و قناعت هستند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اسلامی، شادی، اخلاق شادی، هنجارهای فردی، شادی در اسلام.

مقدمه

اخلاق شادی، یکی از مسائل اخلاق کاربردی است. در حوزه اخلاق شادی، دو محور هنجارشناسی و آسیب‌شناسی مطرح شده است. هنجارشناسی فردی، مطالعه بایسته‌های اخلاقی، هنگام شادی انسان در ارتباط با خود است. از این رو، هنجارها در سه قلمرو رابطه انسان با خدا، خود و دیگران قابل مطالعه هستند، اما این پژوهش در صدد است با هدف شناسایی مسئولیت‌های اخلاقی شخص شادمان در قبال خویش، به این پرسش پاسخ دهد که در حوزه اخلاق شادی از دیدگاه اسلام، چه هنجارهایی فردی وجود دارد؟

هیجان شادی، مستعد بروز فضایل و ردایب اخلاقی است. از این رو، ضروری است بایسته‌های اخلاقی شناسایی شود تا شادی بر اساس اصول اخلاقی صورت گیرد. در غیر این صورت، شادی غیر اخلاقی بوده و همراه با ردایب خواهد بود. فقدان مطالعه علمی در این زمینه، موجب می‌شود هر کسی به سلیقه خویش، روشی را در پیش گیرد و جامعه و اخلاق را دچار هرج و مرج سازد.

این تحقیق می‌تواند هنجارهای اخلاق شادی را در جامعه، به شکل علمی بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان تبیین کند و کاربردی شدن آنها به هنگام شادی را آسان گرداند تا شادی انسان‌ها، در مسیر فضایل اخلاقی و تعالی فرد و جامعه قرار گیرد.

حوزه اخلاق شادی، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی و مسائل اخلاق هنجاری است. با اینکه بسیاری از آیات و روایات مربوط به فرح و شادمانی، به مباحث این حوزه مربوط می‌گردد، کمتر مورد دقت و تحلیل قرار گرفته است. هر چند پژوهش‌های ارزشمند فراوانی (صادقی، ۱۳۸۶؛ فعالی، ۱۳۸۹؛ زینی ملک‌آباد، ۱۳۹۰) به بررسی این مقوله پرداخته‌اند، ولی اخلاق شادی اصطلاح نویی در این دسته مطالعات است که تاکنون کسی بدان نپرداخته است.

اخیراً در مطالعات علی‌انسیب و همکاران (۱۳۹۵)، اصول اخلاقی شادی در ارتباط انسان با خدای متعال، تبیین و ارائه گردیده است که زهد، توکل، شکر، بیم و امید و صبر، برخی از اصول اخلاقی ایمان‌بنیان شادمانی از نگاه قرآن و روایات می‌باشد.

علیانسیب و همکاران (۱۳۹۶ ب)، هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی اسلام را در پژوهش دیگری بررسی کرده‌اند. هنجارهایی از قبیل دادگری، نیکی، تواضع و وقار به تنظیم رابطه اجتماعی انسان در مواقع شادی می‌پردازد.

علیانسیب و همکاران (۱۳۹۶ الف)، در پژوهش دیگری با عنوان «آسیب‌های اخلاقی شادی از منظر قرآن»، به آسیب‌شناسی شادی پرداخته و یافته‌اند که تکبر، زیاده‌روی، غفلت، بی‌بندوباری، سرمستی و سرکشی، از جمله ردایب اخلاقی شادی هستند.

نگارندگان، اصول اخلاقی شادی را در ارتباط با خدا و در ارتباط با دیگران، در دو مقاله مجزا مورد پژوهش قرار داده‌اند. این پژوهش، هنجارهای فردی شادی را مطالعه می‌کند. این پژوهش، در تکمیل مطالعات یادشده در اخلاق شادی می‌باشد. کاوش در بایسته‌های اخلاقی هیجان شادی در ارتباط انسان با خود، در جهت تکمیل پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد.

مفاهیم

الف. اخلاق شادی

«اخلاق شادی»، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی است که به مطالعه کاربرد علم اخلاق اسلامی، در مسائل اخلاقی شادی می‌پردازد. براین اساس، اخلاق شادی عبارت است از: «کار بست فضایل و ردایل مربوط به شادی و راه‌های اکتساب و اجتناب از آنها» (علیانسب و همکاران، ۱۳۹۵). برای رسیدن به شادی سالم و دوری از شادی ناهنجار، باید‌ها و نیاید‌های اخلاقی در مطالعات اخلاق شادی، تعیین می‌شود. اخلاق شادی، دارای دو محور عمده هنجارشناسی و آسیب‌شناسی است.

ب. هنجارها

هنجارها و آسیب‌ها، تعیین‌کننده باید و نیاید‌های شادی هستند. هنجارها، در بستر عنوان کلی تری به نام «اخلاق شادی» به مطالعه ارزش‌های حاکم بر فعل شادی می‌پردازند و به سه رابطه انسان با خدا، خود و دیگران مربوط می‌شوند. ارزش‌های حاکم بر ارتباط انسان با خود در مقوله شادی، هنجارهای فردی اخلاق شادی هستند. آسیب‌های اخلاقی، ردایلی هستند که غالباً احتمال می‌رود افراد در هنگام شادی، به آنها دچار گردند. بخش دیگری از رسالت اخلاق شادی، انجام این آسیب‌شناسی و تبیین آن است تا از گرفتاری در چنین ردایلی اجتناب ورزند و به شادی پاک و سالم، دست یابند (علیانسب و همکاران، ۱۳۹۶ الف).

هنجارهای فردی اخلاق شادی

دین اسلام درصدد تعالی بخشیدن به شادی انسان‌ها، برای فرا رفتن از شهوت و مادیت است. تا انسان در تلاش باشد شادی‌های خود را از سطح مادی فراتر برده، اسباب پایدار و ماندگار سعادت‌مندی را برای شادی جست‌وجو نماید. اصول اخلاق فردی شادی، به مسؤلیت‌های انسان نسبت به خویشتن جهت کمال، سعادت و تعالی نفس آدمی می‌پردازد. پایبندی به این اصول، فضایل اخلاقی را در نفس آدمی به بار آورده، شادی متعالی بر انسان به ارمغان می‌آورند. افزون براین، این فضیلت دارای درجاتی است: مراتب بالای آنها، به مؤمنان ویژه اختصاص دارد و بالتبع شادی ایشان نیز متعالی است.

۱. حق‌گرایی

حق‌گرایی، یکی از معیارهای تعالی شادی است. قرآن کریم نیز با تصریح بر هنجار حق‌گرایی، شادی‌ها را رد یا تأیید کرده است. حق‌گرایی این است که شخص در ایجاد شادی و ابراز نمودن آن، از دایره حق خارج نگردد و به گناه و باطل رفتار نشود. دسته‌ای از آیات درباره شادی‌های ممدوح سخن گفته‌اند. دسته دوم، برخی شادی‌ها را مذموم تلقی کرده‌اند. معیار مدح و ذم در این دو گروه از آیات، به حق‌گرایی در شادی بستگی دارد. گروه اول، مانند آیه ۴ سوره روم که شادی مؤمنان از نصرت الهی و پیروزی مورد تأیید قرار گرفته است. در اینجا علت شادی و عاملی که

افراد را به فرح و شادمانی برانگیخته، به حق و شایسته شادی نمودن است. عامل شادی در آیات گروه دوم (مذموم)، کاملاً پست و بی‌ارزش است. همچنین، خدا در آیه ۷۵ سوره غافر، مسخره کردن پیامبران را علتی ناشایست برای شادی ناحق این افراد در زمین می‌خواند. شادی اینان، از استهزا و دشمنی با پیامبران الهی ناحق و مورد مذمت است؛ سروری که به خاطر بی‌اعتنایی به جهان پس از مرگ و دلبستگی سخت به دنیا بوده است. این نوع شادی، از حسن سبب و حقانیت برخوردار نبوده، مورد نهی و تقبیح است. در مقام ابراز شادی نیز فاعل این شادی، دچار مَرَح و شادی بیش از اندازه شده و شادی‌اش با آسیب‌های اخلاقی همراه گشته است: «وَمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ». این شادی در قلمرو ایجاد و ابراز، خدشه‌دار و باطل بوده، آتش جهنم را نصیب صاحبش می‌کند.

مهم‌ترین و بالاترین مصداق حق‌گرایی در شادی این است که فعل از دایره فرمان حق تعالی خارج نگردد. پیامبر ﷺ فرمود: «سه حالت در هر کسی باشد همه خصال ایمان را دارد: یکی آنکه در حال خوشی به کار باطل نپردازد. دیگر آنکه در حال غضب پا از حق بیرون نهد. سوم آنکه به وقت قدرت بیش از حق خود مطالبه نکند» (این شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۵). در سیره رسول خدا و الگوی نیکوی مؤمنان (احزاب: ۲۱)، التزام به حق و حق‌گرایی در شادی آشکار است. ایشان، با مسلمانان شوخی کرد، می‌فرمود: «من هم شوخی می‌کنم، ولی جز حق نمی‌گویم» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۲۹۸). وی برای شادی نمودن به اسباب ناحق و رفتارهای ناشایست و باطل توسل نمی‌جست و در شوخی‌های، هدف دیگری جز شادکردن مردم و زدودن اندوه از سیمای آنان نداشت. از این رو، در رفتار و گفتار پا را از چارچوب حق بیرون نمی‌نهاد. بنابراین، بهترین و ارزنده‌ترین نوع شادی، شادمانی با طاعت الهی و اعمال و رفتار پسندیده است.

اعمال نیک انسان، حق بوده و حقیقت دارند و اعمال زشت، باطل و پوچند. تحلیل شادمانی با اعمال نیک در هستی‌شناسی عرفانی، گواه این مطلب است. سالکان الی‌الله، صورت حقیقی و ماورایی برای محسوسات جهان ماده، از جمله اعمال انسان مشاهده می‌کنند: «ماورای این ظواهر و محسوسات حقایق عالی مرتبه و مجرد از لباس ماده و زمان و مکان و سایر عوارض آن وجود دارد و چون آن حقایق از مقام واقعیت خود تنزل کند، به این صور مادیه مدرکه (قابل درک) در جهان خارج تجسم پیدا می‌کند. آیه قرآن مجید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» بر آن صراحت دارد» (حسینی طهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). از این رو، ظواهر شرعی مانند نماز، روزه، حج، جهاد، صلّه‌رحم، صدقات، امر به معروف و نهی از منکر و غیر اینها، دارای حقیقتی زنده و با شعور و ادراک هستند که سالک با انجام هر عمل، حظ معنوی دریافت می‌کند. هر یک از افعال انسان، قابلیت خاصی ایجاد می‌کنند که موجب غم یا شادی و نورانیت یا تیرگی انسان می‌شود.

شایسته است همه افعال انسان مؤمن مورد رضایت الهی و مصداق اطاعت فرمان خدا باشند. امام صادق ﷺ فرمود: «در موعظه‌های خداوند به عیسی بن مریم هست که ای عیسی؛ به نیکی‌ها که خشنودی من در آن است، شادمان باش و بر بدی‌ها گریه کن که خشم من در آن است» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۱۹). در سخنی دیگر، این حالت نشانه ایمان

آدمی شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «هر کس کار نیکش او را شاد کند و عمل بد او را ناراحت نماید، او مؤمن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۲۹). از امام هشتم روایت شده است: «مؤمن کسی است که وقتی احسان نمود، خوشحال شود» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ص ۲۴). نتیجه می‌گیریم عامل و سبب شادی و اظهار و ابراز آن در جلوه‌های گوناگون، باید بر اساس حقانیت و با اعمال پسندیده باشد تا شادی از ارزش اخلاقی برخوردار گردد. چنانچه عامل شادی باطل و بیهوده باشد و یا رفتار ناشی از شادی پست و ناشایست باشد، شادی غیراخلاقی خواهد بود.

۲. دوراندیشی

دوراندیشی، یکی دیگر از این قوانین و از مصادیق عقلانیت در شادی است. تدارک آینده دور و نزدیک، به شکل مطلوبی که اندوه به دنبال نیآورد، از فضایل عالی اخلاقی در اسلام است. دوراندیشی، عاقبت کار را دیدن است که از اوصاف اهل خرد می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای اباذر، تدبیر و دوراندیشی بهترین خردمندی است» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۱۰). حضرت علی علیه السلام در سخنی بر حقیقت حزم تصریح می‌کند: «دوراندیشی جولان دادن اندیشه است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۰). تفکر کردن و اندیشه در ابعاد تصمیم، تأمل نیکو در مصالح و مفاسد، موجب می‌شود آنچه صلاح است روشن گردد. پس کسی که بخواهد دوراندیش و عاقبت‌بین باشد، باید بی‌تأمل و تدبیر، به عمل شادی‌انگیز اقدام نکند.

در سخن بلندی، امام علی علیه السلام نسبت به عواقب زیانبار برخی شادی‌ها، که بدون تدبیر و دوراندیشی باشند، هشدار می‌دهد که چه بسا یک عمر پشیمانی را به دنبال آورد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۵). شادی باید از روی بصیرت و معرفت باشد. این امر به تأمل و اندیشه کردن وابسته است و شتاب‌زدگی موجب می‌شود شیطان مکر خود را به طوری که شخص نفهمد، بر او بیفکند (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶). هر کاری که بدون اندیشه درست انجام شود، موجب خسران و پشیمانی می‌شود. بنابراین، اقدام برای هر نوع شادی، باید با لحاظ همه جوانب و نتایج مثبت و منفی آن باشد، تا موجبات ناراحتی و حسرت ابدی ایجاد نشود. مولای متقیان سلامتی و خوشی را نتیجه دوراندیشی خوانده و می‌فرماید: «میوه دوراندیشی سلامتی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۲۳)؛ یعنی فایده دوراندیشی کردن در کارها و فکر و تأمل در عاقبت آنها سلامتی عاقبت است؛ زیرا غالب این است هر کاری که با تدبیر انجام شود، مفاسد بر آن مترتب نمی‌شود.

مهم‌ترین درجه دوراندیشی در شادی و تدارک آینده در منطق قرآن، توجه به شادی و سعادت اخروی است که نباید به هر بهانه آن را از دست داده، به خاطر لذت‌های کوتاه دنیوی، از آن چشم‌پوشی کرد. دوراندیشی نکردن، از نتایج دنیا دوستی است. دنیا مصادیق و اجزای بسیار دارد. همه مصادیق، در این ملاک جمع هستند که حظ و بهره‌ء عاجل و زودرس دارند (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸). «اینان زودرس دنیا را دوست دارند و از پس خود روز سخت و گران را وامی‌گذارند» (دهر: ۲۷). کسانی که دنیای نقد فانی را بر آخرت جاوید ترجیح دهند، مورد سرزنش قرآن هستند. قرآن کریم تفاوت آخرت را با دنیا این‌گونه بیان می‌دارد که آخرت دو خصوصیت دارد که دنیا از آن بی‌بهره است: در آخرت هم خیر است و هم تداوم.

شادی ناشی از مواد مخدر، رقص و آواز که نه خیری در آن است و نه تداومی دارد، بر اساس فلسفه الهی از مقولات دنیوی هستند. همان طور که از این تعبیر قرآنی به دست می‌آید، دنیا در اینجا به معنای هر چیزی است که ما را از خدا غافل بدارد و به امور غیرمفید و زودگذر بکشانند. در این میان، کار دین آن است که ما را از ظواهر دنیا و لذت‌های آنی جدا کند و به امور متعالی و پایدار فراخواند (گلزاری، ۱۳۸۱). علامه طباطبائی معتقد است: مردم در طرز تفکرشان نسبت به دنیا دو دسته‌اند: بعضی از ایشان تنها دنیا را می‌خواهند و جز دنیا به یاد هیچ چیز دیگر نیستند، اینان هیچ نصیبی در آخرت ندارند. بعضی دیگر، تنها رضای خدا را جست‌وجو می‌کنند که از آخرت هم نصیب دارند و خدا سریع الحساب است، در حساب آنچه بنده‌اش می‌خواهد، به زودی می‌رسد، و آن را بر طبق خواسته‌اش به او می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۰). بی‌شک، سبب فکر و عاقبت‌اندیشی، فراغ خاطر و خالی کردن نفس از تعلقات و خواهش‌ها و هواهاست. کسی که قلبش از تعلقات دنیا خالی و به معرفت الهی نورانی شد، عاقبت‌اندیش است. حال آنکه انسان گرفتار به هوای نفس، در پی برآوردن خواهش‌ها و رسیدن به لذت‌های گذرای دنیا است و کمتر به سرانجام آن می‌اندیشد. ایمان به قیامت، موجب وسعت دید و فکر بلند نیز بلندی همت را سبب می‌گردد. این نگرش موجب می‌شود انسان، آخرت را در نظر بگیرد و شادی‌ها و نعمت‌های دنیا را نیز پلی برای شادی پایدار و حقیقی آخرت قرار دهد.

۳. بلندهمتی

ثمره فکر بلند و اندیشه متعالی، همت والا و اقدام عملی متناسب با آن است. دوراندیشی و توجه به عاقبت کار، بر علو همت انسان اثر مثبت می‌گذارد. دوراندیشی جنبه شناختی و فکری دارد و بلندهمتی در رفتار و پشتکار آشکار می‌گردد. شخص برای رسیدن به شادی پایدار، بلند همت و پرتلاش است و از اکتفا به شادی‌های زودگذر و موقتی پرهیز می‌کند. داشتن هدف‌های والا در زندگی و همت و تلاش برای رسیدن به آن، آدمی را از سستی و اکتفا به شادی و لذت‌های گذرا می‌رهاند. رسیدن به اهداف متعالی و ارزشمند انسانی، جز در پرتو همت‌های سترگ و مجاهدت‌های بزرگ میسر نیست. علو همت، روحیه تلاش و کوشش در رسیدن به سعادت و اقدام به کارهای بزرگ و عالی بدون در نظر گرفتن سود و زیان دنیا است، به طوری که با دست یافتن به منافع دنیوی، شادمان نشود و از فقدان آن اندوهگین نگردد (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹). تلاش برای تحصیل کمال و رسیدن به عالی‌ترین امور، نشانه همت بلند است. بلندهمتی، یکی از فضایل اخلاقی شادی است که شخص در راه رسیدن به هدف، اعتنایی به سود و زیان دنیوی ندارد. داشته‌های زودگذر و امکانات مادی، او را چندان شاد نمی‌سازد. این دستور قرآن است که می‌فرماید: «تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» (حدید: ۲۳). منافع دنیا، صاحبان همت‌های بلند را مسرور و زیان‌های آن، ایشان را اندوهگین نمی‌سازد. این صفت نفسانی، معلول اندیشه دور و عظمت و قوت روح است. کوه‌بینی و دون‌همتی، در اهداف زندگی و در نیل به شادی، انسان را بی‌عفت نموده، به رذایل می‌کشاند. نتایج

زیانبار آن در دنیا و آخرت دامنگیر او می‌شود. از این‌رو، علامه طباطبائی در خصوص دون‌همتی و در نتیجه، حرکات دیوانه‌وار انسان رباخوار در محشر چنین می‌گوید: «از آنجایی که هدف و همت خود را لذایذ مادی قرار داده، و علم و درک خود را به هدفی والاتر از آن متوجه نساخته است، نتیجه‌اش این شده که عفت دینی و ثبات نفسانی را از دست بدهد و حرکاتشان مضطرب و ناموزون است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۳۷). محبت و دلبستگی به دنیا، منشأ بسیاری از خطاهاست؛ شادمانی بدان موجب می‌شود شخص بر اعمال نیک اخروی تلاش نکند. خداوند متعال نگاه حسرت‌آمیز به داشته‌های مادی دیگران را توبیخ می‌کند: «و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدار است» (طه: ۱۳۱). قرآن کریم، دنیادوستان آخرت‌گریز را مورد مذمت قرار داده است. «اصلاً شما شتافته را دوست دارید و آخرت را فرو می‌گذارید» (قیامت: ۲۰-۲۱). تلاش و همت آدمی، به چیزی صرف می‌شود که چشم او را روشن و دل او را خوشحال کند. اگر شادی دل او به امور دنیوی است، همت و تلاش او نیز متوجه همان خواهد بود. همت بلند، شرط رسیدن به شادمانی حقیقی است. انسان بلندهمت، برای تحقق اندیشه‌های دورنگر و عمیق، همت والایی به خرج می‌دهد و با آرزوهای دراز به دام سستی و ناامیدی نمی‌افتد.

عالمان اخلاق، سعی نموده‌اند شادی افراد را در جهت شادی اخروی جهت بدهند. از این‌رو، همواره صاحبان همت بلند را به تلاش برای آبادانی خانه ابدی توصیه نموده‌اند؛ به خوشی‌های دنیا که برایت میسر می‌شود، شادمان مباش؛ زیرا چه بسا شخص شادمانی که مغبون است و به غبن خود آگاه نیست. وای بر او که می‌خندد، شادی می‌کند، می‌خورد، می‌آشامد و بازی می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۳۱). همه این شادمانی‌ها، در صورتی که در مسیر زیان و عدم توجه به آخرت باشد، مذموم است. حتی از دانشمندان اخلاق، غم و شادی اهل سعادت را تنها بر کمالات حقیقی منوط می‌دانند. آنچه موجب فرح و سرور می‌شود، آن است که اهل سعادت و کمال دارند. آنچه دیگران از آن لذت می‌برند، خیال است. پس شادی و سرور طالب سعادت، باید منحصر باشد به آنچه از کمالات حقیقی و سعادات ابدی دارد (همان، ج ۱، ص ۵۸۶). امیرالمؤمنین علیه السلام شادی پرهیزکاران را به عوامل ماندگار و پایدار منحصر کرده و نشاط همیشگی را از نتایج آن برشمرده است: «شادی انسان باتقوا به امور جاودان و ماندگار است. چشم روشنی‌اش در آنچه نابود نمی‌شود. شوقش در آنچه می‌ماند. همواره به دور از سستی و دارای نشاط است. آرزوهایش کوتاه و لغزش‌هایش کم است» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۳). قانع نبودن به خواسته‌های کم‌ارزش و شادی‌های پست، ویژگی شادی اهل تقواست. چنین کسی، هیچ ابتهاج و شادی ندارد، مگر به انس با حضرت حق و انوار جمال جمیل مطلق، و سایر مراتب در نظر او باطل است. آنچه قابل فرح و سرور، و زوال آن موجب حسرت و ندامت است، این مرتبه والاست و مؤمن نباید به زوال زخارف دنیوی غمناک نگردد (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۷۷۷). نباید به وجود آنها شاد و از زوال آن اندوهناک گردد. ناگفته پیداست که این حالات، مربوط به خواص از مؤمنان است و مستلزم یک بینش عمیق توحیدی و عظمت نفسانی است. سایر افراد، همتی در حد اندیشه و ایمان خویش خواهند داشت.

۴. خویشتن‌داری

آنچه بر انسان پیش می‌آید، یا موافق طبع اوست یا مخالف. در هر دو صورت، شخص باید صبر و ضبط نفس داشته باشد تا در ورطه طغیان و سرکشی نیفتد (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۹۳). علمای اخلاق، یکی از گونه‌های صبر را خویشتن‌داری در خوشی‌ها دانسته و از بزرگان دین نقل کرده‌اند: «مؤمن، بر بلا صبر می‌کند، اما صبر نمی‌کند بر حال عافیت، مگر بنده صدیق». از این‌رو، خویشتن‌داری و حفظ نفس در حال عافیت و خوشی فقط از عهده بنده راستین بر می‌آید. معنای لغوی «صبر»، «حبس» و «منع» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۵؛ حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۲۳). خویشتن‌داری، ثبات نفس، استواری، پایداری و استقامت از معانی صبر است (ابن مسکویه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۱). کسی که خود را مهار می‌کند و در حقیقت وجودش را از قید نفس آزاد می‌سازد، به صبر حقیقی دست می‌یابد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹-۲۶۰). یکی از نتایج و ثمرات بزرگ این حریت و خروج از عبودیت نفس، ثبات درونی و رفتاری در خوشی‌ها و شادی‌هاست که یکی از گونه‌های صبر است. معنای «صبر بر سراء و شادی» این است که به آن میل و اطمینان نکند و بداند که آن به عاریت به او سپرده شده و به زودی از او پس گرفته خواهد شد. چنین کسی دیگر به ناز و نعمت و لذت‌جویی فرو نمی‌رود و بر دیگران فخر نمی‌فروشد. همچنین، حقوق الهی را در مال و جان خود رعایت کند، در مقام و منصب خود به مظلومان مدد رساند (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۹۳). در مورد همه نعمت‌های خدا از حقوق و حدود تجاوز ننماید. آنچه که قرآن کریم در باب فرح مورد مذمت قرار می‌دهد، نشاط و شادمانی صرفاً به‌عنوان یک حس درونی مثبت و مفید نیست، بلکه حالاتی است که به سبب این شادمانی از نفس آدمی پدید می‌آید و مذموم است. فضیلت خویشتن‌داری موجب می‌شود انسان بر اراده خویش مسلط باشد و در مقابل هر خوشی، عنان اختیار از کف ندهد.

صاحب *معراج السعاده* می‌نویسد: «ثمره خویشتن‌داری آن است که انسان هرگز غرق تنعم و تلذذ نشده و به آن مطمئن و خاطر جمع نگردد. بداند که آنها در نزد او عاریه است و به زودی از او پس گرفته خواهد شد. نسبت به کسانی که آنها را ندارند، تکبر و تفاخر نکند و همواره در کمک به مظلومین بکوشد (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۸۱۸). اگر انسان بخواهد به عالم طهارت و رفعت متصل شود، و به مقام بلند کمال و روحانیت ارتقاء یابد، اولین چیزی که لازم است بدان ملتزم شود، این است که از افسارگسیختگی خود جلوگیری کند، و بدون هیچ قید و شرطی، سرگرم لذت‌های جسمی و شهوات بدنی نباشد، و قیمت خود را بزرگتر از آن بداند که با کالای ناچیز زندگی مادی مبادله نماید. حفظ ثبات درونی و رفتاری در شرایط مختلف دوران‌های تلخ و شیرین زندگی، از مصادیق صبر است.

از این‌رو، چون که دنیا بر صحابه پیغمبر ﷺ وسعت به هم رسانید و از تنگی معاش بیرون آمدند، گفتند: «خدا امتحان کرد ما را به رنج و محنت بر آن صبر کردیم و امتحان کرد به فتنه رفاهیت پس قدرت بر صبر آن نداریم» (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۸۱۸). از این ثبات درونی، در نامه امام صادق علیه السلام به شیعیان به صبر تعبیر گشته است: «از خدای تعالی درخواست کنید که به شما صبر بر آزمایش به خوشحالی و تنگی و سختی و وسعت حال عطا نماید»

(گلستانه، ۱۳۸۹، ص ۴۵۸). چنانچه در سخن امام نیز تأکید شد، خوشی و شادی نیز مانند سختی یک امتحان الهی است که شایسته است پیرو صادق بر هر حال استوار و ثابت باشد.

سعادت‌مند حقیقی، کسی است که همه صفات و رفتارش را به صورت دائمی و ثابت اصلاح کند، به طوری که دگرگونی حالات و زمان‌ها آن را تغییر ندهد (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۱). عالمان اخلاق توصیه می‌کنند که انسان هنگام رفاه و خوشبختی، از خود مراقبت کند تا مبادا به سرکشی و طغیان دچار شود: «در حالت رفاهیت و حصول آنچه موافق خواهش است مثل صحت و وسعت اموال و رسیدن به جاه و مال و کثرت قبیله و عیال، هرگاه صبر و خودداری نکند طاغی و یاغی می‌شود و سرکشی آغاز می‌نماید» (همان). اگر آدمی بر نعمت‌های بی‌شمار از جمله صحت و سلامت، مال و ثروت، مقام و منزلت، فرزند و خاندان و ... خویشنداری نکند، عنان از کف می‌دهد و ناسپاسی و سرکشی می‌کند. بنابراین، انسان باید سخت مراقب خود باشد تا به سبب فرو باریدن نعمت‌ها بر سرش، خود را نوازد و به ناسپاسی و سرکشی کشیده نشود.

در آیاتی از قرآن کریم، خداوند پس از توبیخ رذایل ناشی از شادی، اهل صبر و عمل صالح را استثنا می‌کند و صبر و ثبات نفس را تنها راه نجات از این رذایل معرفی می‌کند. قرآن سخن از انسان‌های کم‌صبر و فاقد ایمان به میان آورده، می‌فرماید: «و اگر - پس از محنتی که به او رسیده - نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت: «گرفتاری‌ها از من دور شد!» بی‌گمان، او شادمان و فخر فروش است» (هود: ۱۰). خداوند در ادامه آیه، اهل صبر و ایمان را استثنا کرده، می‌افزاید: «مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند [که] برای آنان آموزش و پاداشی بزرگ خواهد بود» (هود: ۱۱). این استثنا، نشان می‌دهد که انسان‌های غافل و مغرور و فخر فروش، کسانی هستند که ایمان و صبر و ثبات ندارند. انسان‌های بی‌ایمان و بی‌ثبات، چنان هستند که اگر مختصر نعمتی از نعم الهی از آنها سلب شود، زبان آنها به ناشکری و اظهار یأس و ناامیدی گشوده می‌شود و اگر مختصر نعمتی به آنها برسد، مغرور می‌شوند و در غفلت فرو می‌روند و طغیان می‌کنند.

نتیجه اینکه، بنابر تصریح قرآنی صبر و ثبات نفس انسان است که در لحظات خوشی او را از سرکشی و طغیان و تجاوز از حدود اخلاقی باز می‌دارد.

۵. کرامت نفس

اساساً انسان‌های بزرگ و با کرامت، از یک استواری برخوردارند که شادی و موقعیت دنیایی، نمی‌تواند آنان را متزلزل کند. به تعبیر امام علی علیه السلام افراد با شرافت، اگر به منزلتی هرچند بزرگ برسند، از شادی تکبر نمی‌ورزند. مانند کوهی که بر اثر بادها نمی‌جنبند، و افراد پست با کمترین مقام از شدت شادی، به غرور مبتلا می‌شوند. مانند گیاهی که گذر نسیمی او را به حرکت در می‌آورد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۳۶). نشانه کرامت و رابطه آن با شادی، در پاسخ امام حسن علیه السلام به پرسش یکی از صحابه، به زیبایی بیان شده است. از امام حسن علیه السلام سؤال شد: «کرم چیست؟ فرمود: خودداری در سختی و خوشی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۸). روح انسان کریم، از

چنان استحکامی برخوردار است که حوادث ناگوار، قادر به ایجاد سرخوشی و عدم تعادل در او نیست. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «حوادث ناگوار در روح انسان کریم اثر نمی‌گذارد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱). این استحکام در لحظات شادی نیز موجب ثبات و استقامت شخص کریم می‌شود و او را از افتادن به ورطه رفتار ناشایست، باز می‌دارد. امام علی علیه السلام در خطبه همام، شادی پرهیزگاران را چنین توصیف می‌کند: «شادی یا اندوه، او را از جا به در نبرد، و خرمی و نشاط، او را سبک و بی‌وقار نکند» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۷). از این رو، انسان خردمند هنگامه شادی، شخصیت و کرامت انسانی خود را حفظ می‌کند.

یکی از موقعیت‌هایی که افراد باید مراقب کرامت انسانی خود و هم‌نشینان خود باشند، مزاح است. مزاح، باید برای شاد کردن دیگران صورت گیرد. اگر با شوخی کردن کسی، مورد تمسخر و تحقیر واقع شود، ممنوع و نکوهیده است. چه بسا موجب کینه‌توزی و بروز دشمنی، بین دوستان و پدید آمدن ردایل و زوال فضایل گردد. از نشانه‌های بارز انسان کریم، عدم همسویی با لثیمان و نگشتن گرد کارهای پست برای شادی است. چه بسا انسان‌های پست، تن به کارهایی بدهند و به آن افتخار هم بکنند، ولی کریمان نه تنها دست به آن نمی‌زنند، بلکه در قلب نیز از چنین کارهایی متنفرند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «شخص بزرگوار از افتخارات افراد پست متنفر است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۴). انسان‌های بی‌کرامت، به چیزی جز کامجویی حیوانی نمی‌اندیشند: «بزرگواران از خوردن و فرومایگان از خوردن لذت می‌برند» (همان، ص ۱۳۲). در نظر انسان دارای کرامت نفس، لذت‌های دنیا کوچک‌اند (همان، ج ۵، ص ۴۵۱). حفظ کرامت انسانی در شادی و در مزاح، یکی از مهم‌ترین شرایط اخلاقی شادی است.

۶. عفت

انسان باید لذت و شادی‌های حاصل از قوه شهوت را با فضیلت عفت، تعدیل و عقلانی کند و در برآوردن آن، افراط نکند. عفت حالتی نفسانی است که بر اثر اعتدال در قوه شهویه به وجود می‌آید و انسان را از افراط و تفریط باز می‌دارد. امام خمینی علیه السلام ذیل روایت جنود عقل، بر ضرورت حفظ اعتدال و مواظبت بر موازین شرعی و عقلی، در برآوردن قوه شهوت و غضب تأکید می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۰). اعتدال، زمانی پدید می‌آید که خوردن و نکاح در کنترل قوه عاقله قرار گیرد. بدآنچه عقل حکم می‌کند، مطیع باشد. عفت، به معنای خاص بر کنترل شهوت جنسی و شکم مربوط است. ولی مرحوم نراقی، در بیان ردیله آزمندی و افراط در شهوت، برای آن معنای عامی نیز بیان کرده که شامل سایر تمایلات و شهوات نیز می‌شود (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴). شاید این کاربرد انحصاری، بدین جهت است که این دو میل از سایر تمایلات در انسان برجسته‌تر بوده، سرچشمه آنان است. شادی در هر یک از مصادیق و ابعاد قوه شهوت که باشد، انسان عقیف در ارضا و برآوردن آن بر موازین عقلی و شرعی ملتزم بوده و در مراتب مختلف شادی، عفت خواهد داشت.

چنانچه شهوت بر عقل انسان غالب آید، انسان را از حالت اعتدال در ارضای نیازها و خواست‌ها خارج می‌کند. قرآن کریم، خوردن و آشامیدن را مجاز شمرده، ولی از زیاده‌روی و اسراف در آن نهی می‌کند (اعراف: ۳۰). بر اساس روایات

با پرخوری شکم طغیان می‌کند و خداوند از انسانی که شکم پر باشد، خوشش نمی‌آید (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶). عالمان اخلاق، شکم را سرچشمه شهوات و محل روییدن جمیع آفات و دردها می‌دانند. در صورتی که به شهوت شکم پاسخ مثبت دهی، به دنبال آن شهوت دامن و حرص و ولع به رابطه جنسی پدید می‌آید (شیر، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳). اگر کسی نفس خود را به کم‌خواری رام سازد، به وسوسه شیطان و طغیان نمی‌افتد: «گرسنگی دل را نورانی و روشن می‌گرداند و آن را صفا و رقت می‌بخشد. انسان از مناجات و طاعت لذت می‌برد و از ذکر و عبادت سرور و بهجت می‌یابد» (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۸). در سخنان معصومین علیهم‌السلام از عفت شکم و فرج، به برترین عبادت تعبیر شده است (همان، ص ۱۷). بزرگان گفته‌اند: پیروی از شهوت فرج و افراط در آمیزش، عقل را مقهور و منکوب می‌کند و انسان را از سلوک راه آخرت محروم می‌گرداند. چنان غالب می‌شود که دین و ایمان را زایل می‌کند. این بیماری، دل‌هایی است که از محبت خدا و از همت عالی خالی و بی‌نصیب است (همان، ص ۱۲).

معالجه افراط در شهوت، به این است که باید از آنچه موجب هیجان آن می‌شود، از قبیل تصور زنان و نگاه و سخن و خلوت با آنان دوری کرد که خدای تعالی نیز بدان دستور داده است (نور: ۳۰). بنابراین، کسی که آتش زیاده‌خواهی نفس را در جان خود فرومی‌نشاند و عفت می‌ورزد، احساس نیاز کمتری می‌کند. ضمن اینکه اندوه کمتری دارد و به آرامش و شادمانی ژرف‌تری می‌رسد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «ریشه‌خودداری و عفت، قناعت است و نتیجه آن کاهش اندوه» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۷۵، ص ۷). بنابراین، قناعت می‌تواند جلوی زیاده‌خواهی‌های نفس را گرفته و غصه‌ها و احساس کمبودها را برطرف و انسان را عقیف نگه دارد.

۷. قناعت

شایسته است مؤمن برای به دست آوردن مواهب دنیوی و عوامل لذت و شادی، به حد ضرورت و توان خود قانع باشد و غصه بیش از آن را نخورد. قناعت، ملکه‌ای است برای نفس که موجب اکتفا کردن از مال به قدر حاجت و ضرورت است، بی‌آنکه در طلب زیاده بر آن سعی کند و خود را به رنج و تعب افکند. هر کس در امر زندگی و معاش، به قدر نیاز و ضرورت اکتفا کند، همیشه آسوده خاطر هست (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «خوشا آنکه به اسلام هدایت یابد و معیشت او به قدر کفاف باشد و بدان قناعت کند» (غزالی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۴۱). همچنین، فرمود: «سه چیز نجات‌دهنده است: ترس از خدا در نهان و آشکار، میان‌روی در توانگری و فقر، و عدالت در حال خشنودی و خشم» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۶۷، ص ۶). این یک توصیه عمومی، برای تمام مقاطع زندگی است که شخص در هر حالت، باید به کم قانع باشد و نباید از اموال دیگران شگفت زده شده و در امور دنیوی به بالادست خود چشم دوزد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «اموال و فرزندان‌شان تو را به شگفت نیآورد» (رعد: ۵۵). در جای دیگر می‌فرماید: «و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است» (طه: ۱۳۱). سزاوار است انسان فقیر بر خدا توکل نموده و به آنچه می‌رسد قانع و خرسند باشد و از مردم طمع ببرد و

به آنچه در دست ایشان است، التفاتی نکند. اگر به فقر خشنود نباشد و انتظار و چشم داشت مال و تحقق آرزوهای دراز داشته باشد، عزت قناعت را از دست داده و به ذلت طمع آلوده می‌شود (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۷). کسی که قناعت را از دست بدهد، گرفتار حرص و آرزوهای دراز دنیا شده و در گرداب‌های مادی فرو می‌رود. دل مشغولی به امور دنیا، انسان را از پرداختن به امر آخرت باز می‌دارد. البته تلاش و کسب و کار منافات با قناعت ندارد، بلکه عامل بی‌نیازی انسان از دیگران و مورد پسند اسلام است.

اصول نامبرده، در خصوص شادی انسان نسبت به خویشتن مطرح‌اند، هر میزان این فضایل در درون شخص پررنگ‌تر باشد، شادی متعالی و ارزشمندتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

حوزه اخلاق شادی، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی و مسائل اخلاق هنجاری است. با اینکه بسیاری از آیات و روایات مربوط به فرح و شادمانی، به مباحث این حوزه مربوط می‌گردد، اما کمتر مورد دقت و تحلیل قرار گرفته است. هنجارشناسی فردی یکی از مباحث این حوزه می‌باشد که با روش توصیفی تحلیلی، هدف این تحقیق واقع شد. در این پژوهش، به این پرسش پاسخ داده شده که برای رسیدن به شادی متعالی، چه هنجارهای فردی باید ملاک قرار گیرند؟ یافته‌های تحقیق نشان داد که انسان مؤمن، برای داشتن شادی متعالی باید به پاره‌ای فضایل اخلاقی در قبال خود آراسته گردد. از دیدگاه آیات و روایات، حق‌گرایی، دوراندیشی، بلندهمتی، خویشتن‌داری، کرامت، عفت و قناعت، فضایل فردی حوزه اخلاق شادی هستند.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، الأعلام الإسلامی.
- ابن مسکویه، احمد، ۱۴۱۱ق، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، چ سوم، قم، بیدار.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۶ق، *لسان العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، شرح آقا جمال خوانساری، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۸۵ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالهدایه.
- حسینی طهرانی، محمدرحسن، ۱۳۸۸، *رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب*، مشهد، علامه طباطبائی.
- زینی ملک آباد، هادی و همکاران، ۱۳۹۰، «جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ش ۱، ص ۵۰-۶۸.
- شیر، عبدالله، ۱۳۷۸، *اخلاق*، چ چهارم، قم، هجرت.
- صادقی حسن آبادی، مجید، ۱۳۸۶، «غم و شادی در تجربه دینی مولوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۴۹، ص ۷۵-۹۰.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *صفات النبیغه*، تهران، کتابچی.
- _____، ۱۳۷۶، *أمالی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
- _____، ۱۴۰۴ق، *عیون اخبار الرضا*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، چ پنجم، قم، اسلام.
- علیانسب، سیدضیاءالدین و همکاران، ۱۳۹۵، «اصول اخلاقی شادی از دیدگاه آیات و روایات»، *اخلاق زیستی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۲۲، ص ۸۱-۹۸.
- _____، ۱۳۹۶ الف، «*سبب‌های اخلاقی شادی از منظر قرآن*»، کنفرانس مطالعات فرهنگی اجتماعی و پژوهش‌های قرآن و حدیث، تهران.
- _____، ۱۳۹۶ ب، «*هنجارهای اجتماعی اخلاق شادی اسلام*»، ششمین کنفرانس علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، کوالالامپور، مالزی.
- غزالی، ابوحامد، ۱۳۸۷، *احیاء علوم الدین*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- فعالی، محمدتقی، ۱۳۸۹، «نقد دینی فلسفی بر مؤلفه شادی در معنویت‌های نوظهور»، *پژوهش‌نامه فلسفه دین*، ش ۱۶، ص ۱۴۹-۱۷۲.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۳۷۲، *راه روشن ترجمه کتاب المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، مشهد، آستان قدس.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گلزاری، محمود، ۱۳۸۱، «شادابی و نشاط، گفت‌وگو»، *مجلات عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، پرسمان*، ش ۵، ص ۴-۸.
- گلستانه، علاءالدین محمد، ۱۳۸۹، *منهج الیقین (شرح نامه امام صادق علیه السلام به نسیعین)*، تحقیق محمد صدراپی خوبی، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، *بحار الأنوار*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، اسلام.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۷، شرح چهل حدیث، چ بیستم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نراقی، محمدمهدی، ۱۳۶۸، جامع السعادات، نجف، مطبعه الزهرا.
- _____، ۱۳۹۰، گزیده جامع السعادات، تحقیق جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، حکمت.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۸، معراج السعاده، قم، چاپ علمیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی